

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: آتیلیو برون-English-Latinoamericano Resumen

برگردان از: هوشمند انوشه

۱۰ فبروری ۲۰۲۱

امریکای لاتین: بایدن برنده شد، و حالا؟



دموکرات ها و جمهوری خواهان فقط مجریان این امپراتوری هستند و نه چیزی بیش از آن. ولی تفاوت های جزئی این مجریان چه از نظر عملی یا شخصی و یا ویژگیهای خاص آنها را نباید از نظر دور داشت. فیدل کاسترو همیشه می گفت: «خدا را تنها می توان در جزئیات یافت». این که افرادی مانند ایانا راس، باب مندز، تد کروزر، مارکو روبیو، الی بوت ابرامز از امکان دسترسی مستقیم به دفتر رئیس جمهور امریکا با تضمین دونالد ترامپ، محروم شدند، خود نشانه اختلاف هائی است که نباید نادیده گرفته شود. می دانیم که هر دو حزب در جنایت های بی شماری در سراسر دنیا شریک بوده اند که یادآوری همه آنها صفحات زیادی را طلب می کند. ولی انتخابات اخیر خطر جدیدی را در خود نهفته داشت. برتری آرای عمومی در ابقای یک فرد مافیائی به نام دونالد ترامپ که برای چهار سال دیگر در کاخ سفید باشد، خطرات جدی برای کشورهای ما در امریکای لاتین می داشت. به سه خطر جدی در اینجا اشاره می کنیم:

نخست: اجرائی کردن فوری حمله نظامی علیه ونزوئلا. طرحی که مایک پمپئو در همین سفر اخیرش به برزیل، کلمبیا و گویان ارائه کرده بود (سه کشور همسایه ونزوئلا) و همچنین کشور سورینام.

دوم: ترامپ با به قدرت رسیدن دوباره اش، حتما تحریم ها را علیه کوبا، ونزوئلا و نیکاراگوئه تشدید می کرد و همچنان بر فشار خود بر دولت های ارجنتاین و مکزیکو می افزود. چرا که بنا به نظر ارتجاعی ترین مشاورهای ترامپ این دو دولت مشکوک بوده و از «متحدین» یا «همدستان» نیروهای مخرب چاویستی به حساب می آیند.

سوم: انتخاب مجدد این میلیاردر نیویورکی به تقویت وزن منطقه ئی افرادی مانند ژائیر بولسونارو، رئیس جمهور برزیل و رئیس جمهور کلمبیا ایوان دوکه و به طور کلی راست افراطی در امریکای لاتین و منطقه کارائیب منجر می شد.

این سه نکته که به هیچ وجه کم اهمیت نیستند، خود به تنهایی کافی اند تا از شکست میلیاردر نیویورکی احساس آرامش کنیم. خلاصه گفته باشیم، انتخابی بود بین بد و بدتر. و شق نخست پیروز شد. مسلماً ناامیدکننده است، ولی این تنها حق انتخابی است که این امپراتوری عرضه می کند. واقعیتی مبتنی بر بیش از دو سده سابقه تاریخی که نادیده گرفتن آن نوعی خیال بافی است.

خوب ولی در مورد جو بایدن چه باید گفت؟ سیاستمدار کهنسالی از دستگاه محافظه کار امریکا با ۴۷ سال تجربه در راهروهای پیچ در پیچ واشنگتن (او در ماه نومبر امسال به سن ۷۸ سالگی رسید). بایدن از سال ۱۹۷۲ سناتور بود تا آن که در سال ۲۰۰۹ معاون اوباما شد. در طول این مدت نزدیک به نیم قرن نکات زیادی نمی توان در کارنامه او یافت که امیدی به تغییرات اساسی در سیاست خارجی ترمپ را برانگیزد. به ویژه در مورد روابط میان ایالات متحده امریکا و امریکای لاتین که همواره زمینه پر آشوبی بوده است.

آن چه مسلم است این که، در طول سالهایی که او در سنا بوده، در فسادهای نهادینه شده واشنگتن همواره شریک جرم و یا ذینفع و یا لافل شاهدی خاموش بوده است. مواردی مانند اهدای قراردادهای بسیار چرب به شرکت های متعلق به مجتمع های صنعتی- نظامی و یا اهدای وام های کلان به سیستم فاسد مالی امریکا پس از بحران مالی سال ۲۰۰۸. همه این موارد زیر نظر او انجام گرفت و هیچ گاه از او ناراضیتی و یا ناراحتی وجدانی شنیده نشد.

بازسازی یا «شروع جدید» یک لفاظی است که رئیس جمهورهای امریکا دوست دارند به هنگام گرفتن پست ریاست جمهوری از رقیب، از آن استفاده کنند. در حالی که این حرف با شعار «همه با هم» که بایدن همچو ترمپ آن را مرتب تکرار می کند، هم خوانی ندارد.

به عنوان مثال کارزارهای انتخاباتی بسیار پرهزینه بایدن از سوی شرکت های بزرگ بسیار سخاوتمندانه پشتیبانی شد. در یکی از گزارش ها آمده که بایدن از ۴۴ میلیارد کمک مالی دریافت کرده است. ولی هم رزم او کاملاً هریس حتی از او پیشی گرفته و مورد پشتیبانی ۴۶ میلیارد قرار گرفته است. به طور مشخص ترمپ از کمک های سخاوتمندانه شلدون آدلسون برخوردار شد. این شخص که صاحب یک کازینو در لاس وگاس است و طبق گزارش روزنامه گاردین «از طرفداران پروپا قرص اسرائیل» به شمار می رود، ۱۸۳ میلیون دلار به کارزار انتخاباتی این نیویورکی کمک رساند. در مقابل بایدن ۱۰۷ میلیون دلار کمک مالی از مایکل بلومبرگ دریافت کرد. این شخص شهردار سابق نیویورک و از غول های عرصه رسانه های گروهی است. واضح است که این امر با اصل اولیه دموکراسی که می گوید «یک نفر یک رأی» تضاد دارد. چرا باید صدای افرادی مانند آدلسون و بلومبرگ از صدای افرادی عادی که حتی نمی توانند ۲۰ دلار هم کمک کنند در دموکراسی امریکا بیشتر شنیده شود؟

ولی ما شاهد تغییراتی در شیوه برخورد خواهیم بود. شیوه برخورد قلدرما بانه و گستاخانه ترمپ و هم پالکی هایش به ویژه پمپئو و بولتون محو خواهد شد و به نظر می رسد، برای از سرگیری چند جانبه گرایی و تلاش برای رسیدن به تفاهم در عین عدم استفاده از زور به عنوان نخستین اولویت تمایلی وجود داشته باشد. در همین چارچوب بایدن قول داده است که امریکا به معاهده پاریس در رابطه با حمایت از محیط زیست و به سازمان بهداشت جهانی بازگردد و همکاری در مبارزه علیه شیوع بیماری واگیردار را از سر گرفته و دوباره به عضویت سازمان یونسکو درآید. در زمان ترمپ امریکا به دلیل موضع گیری های خصمانه این سازمان علیه اسرائیل از آن کناره گرفته بود. ولی باید به خاطر داشته

باشیم که امریکا کمک های مالی خود را به این سازمان در سال ۲۰۱۱ قطع کرده بود. یعنی هنگامی که اوباما رئیس جمهور و بایدن معاون او بود.

این نکات را هنری کیسینجر در مصاحبه مفصلی که در تاریخ ۸ نومبر امسال با روزنامه المانی «دی ولت ام زونتگ» انجام داد بروشنی بیان کرد. او می گوید: «اشتباهی بزرگ خواهد بود اگر اروپا فکر کند که تغییر رئیس جمهور همه مشکلات را حل خواهد کرد. باید تفاوت قائل شد میان شیوه های به کار برده شده از سوی ترمپ و مسائل اساسی که او مطرح کرده است.» (مترجم)

دغدغه بایدن در سنا تقویت مجتمع صنعتی - نظامی و ایجاد ثبات در سیستم مالی امریکا در جریان بحران مالی سال ۲۰۰۸ بود. در مقابله با فاجعه درمانی که به دلیل انکار ویروس کووید-۱۹ توسط ترمپ ایجاد شد، او تلاش کرد تا سیاست بیمه درمانی اوباما (Obamacare) را احیاء کند که چیزی بیش از یک سیستم ابتدائی درمانی نیست. البته او در سنا به تهاجم نظامی امریکا به عراق و افغانستان رأی مثبت داد و در مقام معاون ریاست جمهوری به مداخله نظامی امریکا در سوریه و لیبیا مهر تأیید زد. تا آنجائی که به کشورهای امریکای لاتین مربوط می شود بایدن در مقام معاونت ریاست جمهوری از کودتا علیه «خوان میگل زلایا»، رئیس جمهور قانونی هندوراس (۲۰۰۹) و تلاش برای براندازی «رافائل کوره یا» در سال ۲۰۱۰ و علیه «فرناندو لوگو» در پاراگوئه (۲۰۱۲) و استیضاح تقابلی «دیلمار روسف» بین سال های ۲۰۱۵ و ۲۰۱۶ در برزیل پشتیبانی کرد. بنابراین چندان دلیلی برای خوشحالی از شکست ترمپ وجود ندارد. در شماره مارچ - اپریل مجله «فارن آفرز» کتاب مقدس دستگاه حاکمه امریکا، بایدن در مقاله ای مواردی را برشمرد که در صورت به قدرت رسیدن انجام خواهد داد. تیتر مقاله - «چرا امریکا باید مجدداً رهبری را به دست گیرد» - هیچ شکی باقی نمی گذارد که نویسنده به سنت استثنائی بودن امریکا اعتقاد بی چون و چرا دارد. جهان نیاز به یک رهبر دارد و امریکا باید این نقش را بر عهده بگیرد. گویا این وظیفه را خدا بر عهده امریکا گذاشته است و این اشتباه ترمپ بود که با مطرح کردن شعار «امریکا را دوباره بزرگ کنیم» و شانه خالی کردن از مسؤولیت تنظیم روابط بین المللی، این نقش رهبری را از امریکا گرفت و به متحدین و دوستان خود بی اعتنائی کرد. برنامه بایدن بر پایه سه محور تنظیم شده است: ۱. بازسازی و تقویت دموکراسی در ایالات متحده امریکا و در سطح جهان موافقت نامه های جدید تجاری جهت مهار چین و جلوگیری از آن که چین و متحدانش بتوانند قواعد بازی را به نفع خود تعیین کنند. امپراتوری بر این باور است که تعیین این قواعد هم چون دوره پس از پایان جنگ جهانی دوم، حق ویژه اوست. ۲. بازستاندن مقام «برتر» و اشنگتن بر سر میز مذاکرات جهانی چین و روسیه در تطابق با دکترین های حاکم از زمان اوباما به عنوان دشمنان بی چون و چرای امریکا مطرح می شوند. زبانی که در بخشی از این متن به کار برده شده به هیچ وجه یک زبان دیپلماتیک نیست و بسیار نگران کننده است و خواننده را به یاد لاف و گزاف های وقیحانه ترمپ می اندازد. به عنوان مثال بایدن دولت ولادیمیر پوتین را یک دیکتاتوری مبتنی بر دزدسالاری و شی جین پینگ رهبر چین را یک لات آدمکش می نامد.

اضافه بر این چین را متهم به دزدی بی شرمانه حق مالکیت معنوی و تجارب متعلق به شرکت های امریکائی می کند. در مورد دموکراسی، بایدن قول می دهد در نخستین سال ریاست جمهوری خود یک کنفرانس بزرگ با شرکت رهبران کشورهای دوست برگزار کند (از حالا می توان تصور کرد که این افراد چه کسانی هستند). هدف این کنفرانس ایجاد اتحادی بین المللی جهت پیشبرد دموکراسی و حقوق بشر و مبارزه علیه فساد اداری است. بایدن تلاش خواهد کرد تا این فعالیت ها به طور هماهنگ و مطابق با یک برنامه مشترک انجام شود. به اعتقاد بایدن شکاف میان دموکراسی های موجود و شکل های مختلف رژیم های خودکامه یکی از مهم ترین مسایل دوران ماست. البته این همان چیزی نیست که

تحت عنوان «نیروهای راست جدید در جهان» توسط استیو بنن نظریه پرداز راست افراطی در دوران ترمپ مطرح شده بود. ولی شباهت هائی بین این دو نظریه دیده می شود. بزودی حقیقت نمایان خواهد شد و خواهیم دید که چه کسانی پذیرفته و چه کسانی رد خواهند شد. چه کسانی دموکرات لقب خواهند گرفت و چه کسانی خودکامه.

حرف آخر من این است که نمی توان انتظار نتیجه مثبتی از این جابه جائی داشت. البته خطری بزرگ از سر راه برداشته شده است و نه بیش. در سال های ۲۰۰۸ و ۲۰۰۹ نیروهای مترقی در اروپا و امریکای لاتین دچار اوباما گرفتگی یا شیفتگی به اوباما شدند. با این تصور باطل که یک رئیس جمهور افریقائی- امریکائی می تواند دست به معجزه بزند و ماهیت امپراتوری را دگرگون کرده و آن را به مأمنی برای صلح جاودان آن طور که امانوئل کانت می گفت تبدیل کند. سرخوردگی آن جان های زیبا و بی گناه حدی نداشت. این خطر وجود دارد که این داستان البته نه به همان شکل، دوباره تکرار شود.

هدف از نگارش این سطور این است که باید برای چنین وضعیتی خود را آماده کنیم و مجددا دچار سردرگمی ایدئولوژیک نشویم. و به یاد داشته باشیم که چه با ترمپ و چه با بایدن، ما در معرض تهدید این امپراتوری درنده در رابطه با منابع طبیعی مان هستیم. آن هم در یک فضای تبلیغاتی مملو از ترس و نگرانی بیمارگونه که «قاره ما بزودی طعمه چین و روسیه خواهد شد». لحن «جنگ سرد» در نوشته بایدن گویاتر از آن است که بتوان آن را نادیده گرفت. ولی هنوز امید بسیار ضعیفی وجود دارد. که بایدن خط مشی اوباما در رابطه با کوبا را از سر گیرد، روابط دیپلماتیک را در سطح سفارت خانه ای دوباره برقرار و ممنوعیت های نفس گیر در مورد سفر، انتقال پول، تجارت، تورسیم، و مبادلات فرهنگی را لغو کند. در نهایت باید به این جنایت علیه بشریت یعنی محاصره اقتصادی این جزیره سرکش پس از ۶۰ سال پایان داد.

به علاوه در مورد جمهوری ونزوئلا باید به نقش کاخ سفید در رئیس جمهور خواندن احمقی مانند «خوان گوایدو» پایان داده شود. باید وارد مذاکره با دولت نیکلاس مادورو شد. باید برای همیشه به سیاست خصمانه ترمپ پایان داد. سیاستی که بار دیگر همچنان نمونه کوبا با شکست مفتضحانه ای روبه رو خواهد شد.

آتیلیو برون فارغ التحصیل دانشگاه هاروارد و استاد در رشته علوم سیاسی در دانشگاه بوننوس آیرس است. او مدتی دبیر اجرایی «شورای علوم انسانی امریکای جنوبی» بود و کتابهای متعددی در زمینه های سیاسی و اجتماعی و افشای سیستم سرمایه داری و نئولیبرالیسم منتشر کرده است. برون در سال ۲۰۰۹ موفق به دریافت جایزه بین المللی خوزه مارتی از یونسکو شد.

این مطلب برای اولین بار در مجله دانش و امید، جدی ۱۳۹۹ منتشر شده است